تکوین سوژگی ایرانی در نبرد و بررسی وضعیت و احتمالات جنگی

نتانیاهو هم سرنوشت صدام

حمیدرضا فرتوک‌زاده*

سرعت بازیابی قابلیت‌های فرماندهی و کنترل جنگ پس از شبیخون رژیم صهیونی و نمایش اقتدار در پاسخ به عملیات تروریستی جمعه گذشته دشمن، هم محصول تکوین شخصیت تاریخی ایرانیان است و هم مقوم آینده روشنی است که چشم‌انداز آن از لابه‌لای ستون‌های آتش و دود خودنمایی می‌کند.

قدرتی را که ایران در بازیابی فرماندهی و کنترل در طول این یک هفته از خود نشان داد، می‌توان در عداد شگفتی‌سازهای تاریخ تلقی کرد. به تعبیر «آلن بدیو» یک رویداد بزرگ، فرصتی برای احیای دوباره سوژه ایرانی برای نجات ایران. سوژه‌ای که درفش کاویانی را از اعماق تاریخ اسطوره‌ای ایران‌زمین؛ از «سورنا و آریوبرزن» تا «تاخدا صمدی و نادر مهدوی» بر شانه‌های ستبر خود حمل می‌کند. این دستاورد بزرگ سرمایه مهمی در بازسازی روحیه ملی ایرانیان خواهد بود.

همین سوژگی نوپدید است که می‌تواند دستمایه احیای مزیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور شود؛ مزیت‌هایی که عمدتاً به خاطر دسیسه‌های دولت بریتانیا در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی آسیب دیده است و در قرن بیست و یکم نیز با تحریم‌های غیرقانونی دولت ایالات متحده، محرومیت از حقوق اساسی کشور در اقتصاد و امنیت منطقه را در پی داشته است.

■ فشار به ایران، فشار به قلب یک جغرافیا

این جنگ ناجوانمردانه با هزینه‌های سنگینی که بر ملت ایران تحمیل می‌کند، نصاب تازه‌ای از اراده ملی را در ذهنیت مشترک ایرانیان زنده خواهد کرد. در این ذهنیت مشترک، ایرانیان با بازاندیشی در الگوی سیاست همسایگی، توجه جدی‌تری به پیوندهای حیاتی ساکنان شمال و جنوب خلیج فارس خواهند داشت. پس از این جنگ، خلیج فارس دیگر سرزمینی مسطح و تشکیل‌شده از نقاط خنثی و منفرد تلقی نخواهد شد؛ بلکه مجموعه‌ای از موجودیت‌هایی است که پیوندهای حیاتی پرشمار، سرنوشت آنها را به هم گره زده است. در این روایت نوپدید، کلیت خلیج‌فارس سرنوشت امنیتی مشترکی خواهد داشت. هر کشوری که جنوب خلیج فارس را برای سرمایه‌گذاری یا تامین انرژی برمی‌گزیند، نمی‌تواند شمال خلیج فارس را ناامن کند؛ چه ناامنی نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و بمباران و ترور و تخریب و چه ناامنی اقتصادی و تحریم و بلوکه دارایی‌ها و محرومیت از حقوق اساسی کشور. این مهم‌ترین انگاره ژئوپلیتیک در ذهنیت مشترک ایرانیان پس از تحمل هزینه‌های این جنگ خواهد بود. ایرانیان تا حصول اطمینان قطعی از تحقق این هدف، جنگ را با همه هزینه‌هایش ادامه خواهند داد و زیر بار صلح تحمیلی و استخوان لای زخم نخواهند رفت.

از همین جاست که امکان تازه‌ای به عنوان نقش تعیین‌کننده در امنیت انرژی خلیج‌فارس متولد می‌شود؛ نقشی که اگر نادیده گرفته شود، نفت و گازی برای عبور از تنگه هرمز وجود نخواهد داشت. این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سوژه ایرانی از تحمل هزینه‌های این جنگ ناجوانمردانه و پیروزی بر دشمن متجاوز خواهد بود.

■ خلیج فارس، کل یکپارچه

ایران در این ۱۰ روز ثابت کرد در صورت مواجهه با تهدید وجودی، اراده و قابلیت بازگرداندن کل خلیج فارس به دوران صید مروارید و واحه‌نشینی را دارد و به ازای این اراده نوپدید، سهم عادلانه و منصفانه خود را از زندگی در خلیج فارس به دست خواهد آورد. این اراده نوپدید ایرانی مهم‌ترین تضمین حفظ امنیت مشترک و جلوگیری از تعرض بیگانگان به حقوق اساسی ایران است.

از باب «لایزال یوید هذا الدین بالرجل الفاجر» باید گفت بزرگ‌ترین خدمتی که ترامپ و نتانیاهو به مردم ایران کردند، این بود که ناخواسته باطن نظم آنگلوامریکن را بیرون ریختند و قانون نانوشته زنده ماندن در جغرافیای متلاطم خلیج فارس را در عمل به ما یادآوری کردند. ایرانیان به فراست دریافتند صلح و امنیت در همسایگی اردوگاه آنگلوامریکن در گرو آمادگی حداکثری برای جنگ است و متوجه شدند گشودن آغوش صلح بی‌قید و شرط به سوی همسایگانی که ریشه در نظم آمریکایی دارند، به معنای استقبال از جنگ ویرانگر است؛ «فیطمع الذی فی قلبه مرض» و همه اینها نه به معنای جنگ‌طلبی و ماجراجویی؛ بلکه به معنای آمادگی تحمل هزینه‌هایی برای تحمیل هزینه‌های سنگین‌تر به دشمن در دفاع از این کهن‌بوم و بر و حقوق اساسی مردم نجیب و صبور آن است؛ مردمی که از قرن نوزدهم تاکنون مورد تعرض سیستماتیک آنگلوساکسون‌ها بوده‌اند.

مردمی که به خاطر اشغال خارک و بوشهر توسط بریتانیا تن به جدایی هرات از مام میهن دادند و مردمی که با دسیسه‌های بریتانیا، استان بحرین را به اردوگاه آنگلوساکسونی فرستادند و مردمی که به خاطر تحریم‌های ظالمانه آمریکا از حقوق اساسی خود محروم شده‌اند و اینک در حالی که به شدیدترین نظارت‌های هسته‌ای تن داده و عضویت ان.پی.تی را پذیرفته‌اند، به وسیله یک رژیم شرور اشغالگر - که هیچ گونه نظارت بین‌المللی را نپذیرفته است - مورد حمله، بمباران و ترور قرار گرفته‌اند. مردمی که در میانه مذاکره با آمریکا مورد شبیخون عوامل نیابتی آمریکایی‌ها قرار گرفته‌اند.

ایرانیان آغازگر این جنگ نبودند؛ همچنان که سال ۵۹ هم آغازگر جنگ نبودند. بی‌تردید متجاوز و آغازگر این جنگ، سرنوشتی بهتر از سرنوشت متجاوز و آغازگر آن جنگ نخواهد داشت. خون پاک شهید محمدحسین فهمیده و حسن باقری و شهدای جنگ ۸ ساله، صدام را به جهنم فرستاد و خون مطهر محمد باقری و سلامی و رشید و حاجی‌زاده و دیگر شهدای این جنگ، نتانیاهو را راهی زباله‌دان تاریخ خواهد کرد.

دستاورد مهم مقاومت و دفاع مردانه در آن جنگ، بالا رفتن حساسیت ایرانیان به تمامیت ارضی ایران‌زمین بود و دستاورد مقاومت در این جنگ حساسیت ایرانیان به همه حقوق خود به عنوان یک کشور مستقل و نیرومند خواهد بود. پس از این جنگ، نقض کوچک‌ترین حقی از حقوق ایرانیان به منزله اعلام وضعیت جنگی در کل خلیج فارس خواهد بود.

■ دکترین ناامنی سیال در خلیج فارس

رژیم صهیونیستی این جنگ را جنگ وجودی اعلام کرده است. این یعنی کمر به نابودی ایران‌زمین بسته است. از سوی دیگر، لابی صهیونیسم در آمریکا توانسته است با کم‌هزینه نشان دادن این جنگ، دامن کاخ سفید و متحدانش را به این جنگ ناجوانمردانه بیالاید. بنابراین، روزهای مهم‌تری در پیش خواهیم داشت. از دید نتانیاهو و لابی صهیونیستی در آمریکا، حتی کشته شدن تعداد زیادی صهیونیست و ویرانی زیرساخت‌های رژیم صهیونی برای پیروزی در این جنگ وجودی، هزینه قابل تحملی است. لااقل هزینه‌های مالی و اقتصادی این جنگ پیشاپیش در سفر ترامپ به خلیج فارس تامین مالی شده است. خسارت مقاومت حتما کم‌تر از تسلیم است. اگر به فرض محال محال، در ایران هیچ مقاومتی در کار نباشد و پرچم سفید به علامت تسلیم برافراشته شود، خسارت‌ها بیش‌تر خواهد شد؛ حتی جنایت‌بارتر. این از سرشت شیطانی رژیم صهیونیستی و اردوگاه آنگلوساکسونی نشأت می‌گیرد و اقتضای طبیعت سفاک و خونریزی است که از صبرا و شتیلا و دیریاسین تا غزه و ضاحیه بیروت را در کارنامه خود دارد.

تنها عاملی که می‌تواند آتش این جنگ را خاموش کند، به خطر افتادن منافع موجودیتی دشمن است؛ بخصوص امنیت انرژی در خلیج فارس. به همین دلیل طراحی عملیات دشمن، با این فرض انجام شده که تا جای ممکن، دامنه جنگ به خلیج فارس کشیده نشود. موضوعی که تا حدود زیادی به رفتار آمریکا در این جنگ وابسته است.

اما در این میان، ۲ پرسش اصلی این است: آیا راه سومی هم پیش روی ایرانیان قرار دارد؟ آیا نمایش قدرت ناشی از اراده نوپدید به ساکنان منطقه و ذی‌نفع‌های بیرون منطقه می‌تواند حامیان رژیم صهیونیستی را از ادامه حمایت منصرف کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها را پس از مشاهده نحوه تکوین و بلوغ این اراده نوپدید در هفته‌های آتی می‌توان داد

*عضو هیات علمی دانشگاه مالک اشتر

به بهانه شهادت «علی مرادی» بازیکن پیشین خیبر خرم‌آباد در پادگان

پاس گل به وطن

«او را با پیراهن قرمز به خاک سپردند، اما نه آن قرمزی که آرزویش را داشت...».

مهدی مرسلی

پایان بعضی رویاها را نه با سوت داور که با صدای آژیرها رقم می‌زنند. گاهی یک جوان قبل از آنکه در ترکیب تیم محبوبش قرار بگیرد، در فهرست شهدا جا می‌گیرد. این روایتِ علی است؛ علی مرادی. پسری از دیار زاگرس که میان فوتبال و وطن، میان پیراهن شماره ۲ پرسپولیس و لباس نظامی، بی آنکه خودش بداند، قرعه شهادت را به نامش زدند.

او تازه ۲۲ ساله شده بود. قد و قامتش می‌خورد به یک بال چپ سرعتی، با روحیه جنگندگی و چشمانی که آینده را گم نمی‌کرد. برای تیم خیبر بازی می‌کرد، اما در ذهنش ۱۰۰۰ بار پیراهن پرسپولیس را پوشیده بود. جایگاه ۲۷ آزادی برایش بیش‌تر از هر زمین تمرینی، تجسم آینده بود؛ آنجا که تیفوسی‌ها، سینه‌چاک و بی‌قرار، پرچم سرخ را بالا نگه می‌دارند و یکصدا می‌خوانند: «ما می‌جنگیم، پرچمت بالا بمونه پرسپولیسم!».

در آن جایگاه، علی نه تماشاگر بود و نه فقط هوادار؛ او بود و رؤیایی که انگار هر بار با پاس امید عالیشاه زنده‌تر می‌شد. امید، همان بازیکنی که علی نه فقط بازی‌اش که شخصیتش را می‌ستود: «یه روزی کنارش بازی می‌کنم»، این را بارها به خواهرش گفته بود؛ یاسمن. خواهری که حالا مانده و پیامی که هر بار «تیک نخوره»، دلش را تکه‌تکه می‌کند.

می‌پرسم از آخرین شب. از آن ساعاتی که هنوز خبرها نرسیده بود. آرام اما پُر از بغض می‌گوید: «گفت می‌ره پادگان. بابا گفت نرو، ولی اصرار کرد. گفت تماس گرفته‌ن، باید برم. شب بهش پیام دادم... صبح باز پیام دادم... جوابی نداد. بعد از چند دقیقه صدای جیغی از کوچه بلند شد... اول فکر کردم مادربزرگم از دنیا رفته، مریض‌احوال است... ولی نه! خبر از برادرم دادن... علی...»

این را دیگر یاسمن نمی‌گوید؛ این صدای تمام خواهرانی است که برادران‌شان را پیش از آنکه «بزرگ» شوند، از دست داده‌اند. علی برای او فقط برادر نبود. هم‌صحبت شب‌ها، شنونده رویاهای ساده‌اش و تکیه‌گاه روزهای سخت بود.

از فوتبال چیزی نمی‌دانست؛ اما علی برایش همیشه از پرسپولیس می‌گفت. از امید عالیشاه، از سروش که سانتر می‌کند و از جایگاهی که بالاخره روزی باید به آن تعظیم کند. حالا اما همه چیز برعکس شده. جای آنکه او در آزادی تعظیم کند، حالا مردم آمده‌اند تا مقابل قاب عکسش خم شوند.

پدر علی اما چیز دیگری می‌گوید؛ از سکوت پسری که هرگز صدای بلندش را نشنیده بود: «آرزوم بود دامادی‌شو ببینم... اما حالا فقط حسرت مونده برام». بعد مکثی می‌کند و ادامه می‌دهد: «سرش برای دفاع از خاک پایین نرفت. راست‌قامت رفت. با شرافت رفت. نه برای اسم، نه برای شهرت. فقط برای اینکه بچه‌های این سرزمین تو صلح زندگی کنن».

و مگر علی غیر از این بود؟ جوانی ساده، با رؤیایی روشن و قلبی پر از آرزو. حالا دیگر کسی نمی‌پرسد «شماره بازی‌ش چند بود؟» چون شماره‌اش شده یکی از هزاران پلاکی که بر گردن مادران این سرزمین آویزان است. علی را با پرچم قرمز بدرقه کردند، اما نه آن پرچمی که رویای پوشیدنش را داشت؛ پرچمی دیگر، پرچمی مهم‌تر... پرچم ایران.

بعضی شهادت‌ها را نمی‌شود فقط با اشک تعریف کرد. باید رفت، ساکت نشست کنار قاب عکسش، به چشمانش زل زد و زمزمه کرد: «تو هنوز اینجایی... فقط شکل بودنت عوض شده».

قصه علی، قصه مردی بود که قبل از آنکه ستاره شود، شهید شد. فوتبالیستی که قبل از امضای قرارداد، حکم آسمانی‌اش را گرفت. پسرکی که با توپ پلاستیکی در کوچه‌های خرم‌آباد می‌دوید، اما روزی نامش در بلوار اصلی شهر حک می‌شود.

یاسمن آخرین جمله‌اش را این‌طور می‌گوید، نه به خبرنگار، نه به ما، فقط برای علی:

«برادرم...! امید من بودی... هنوز هم هستی... منتظرتم، یک بار دیگر بی‌صدا بیا، در را باز کن و بگو: «سلام خواهر؛ برگشتم».

گزارش «وطن امروز» از عدم تاثیر تنش‌های منطقه‌ای برای تامین و توزیع کالاهای اساسی در ایران

امنیت غذایی در ایران

وزارت صمت اعلام کرد با اصناف احتکارکننده برخورد جدی خواهد کرد

گروه اقتصادی: در این روزها با وجود تحولات منطقه‌ای هیچ نگرانی‌ای در میان مردم در مورد وضعیت تأمین کالاهای اساسی به وجود نیامده است. گزارش‌های میدانی و اظهارات مقامات بلندپایه از استمرار ثبات در بازارها و وفور اقلام ضروری حکایت دارد. در این میان، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و ستاد تنظیم بازار با هماهنگی گسترده، تأمین، توزیع و ذخیره‌سازی اقلام راهبردی را در اولویت قرار داده‌اند.

■ بازار بدون صف و التهاب

غلامرضا نوری‌قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، در بازدید خود از مراکز توزیع و فروشگاه‌های زنجیره‌ای اعلام کرد: «ذخایر کالاهای اساسی کشور نه فقط کافی، بلکه فراتر از نیاز مصرفی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است».

تدارک منظم و توزیع هوشمندانه کالاها، مانع شکل‌گیری صف‌های خرید هیجانی شده و بازار را از تنش‌های احتمالی محافظت کرده است. در حال حاضر، در تأمین و توزیع کالا در سطح کشور هیچ تفاوتی با ۱۰ روز قبل و ۲ هفته پیش دیده نمی‌شود و کالاهای اساسی به وفور و حتی بیش از حد نیاز وجود دارد. با هماهنگی وزارت کشور و استانداری‌ها، تصمیم به افزایش سهمیه آرد در مناطق شمالی گرفته شد تا مشکلی در تأمین نان به وجود نیاید. تمام شیفت‌های نانوایی‌ها و دیگر صنوف فعال بوده و در حال خدمت‌رسانی به مردم هستند. همچنین تمام سوپرمارکت‌ها بدون وقفه مشغول فعالیت هستند. در حال حاضر که دولت اعلام می‌کند ذخایر پایدار است، وظیفه مردم است که با مصرف هوشمندانه و کاهش ضایعات، از این سرمایه ملی محافظت کنند. عبور سلامت از شرایط فعلی، نه صرفاً در گرو عرضه، بلکه در گرو همراهی عمومی با رویکردی مسؤولانه و آینده‌نگر است.

واکنش قاطع دولت به شایعات و احتکار شایعاتی پیرامون افزایش قیمت نان و کمبود آن مطرح شد اما اتاق اصناف تهران هم صراحتاً اعلام کرد که تصمیمی برای افزایش قیمت نان وجود ندارد. وی وضعیت بازار نان را عادی توصیف کرده و خواستار پرهیز مردم از ذخیره‌سازی بی‌رویه شده است.

در همین حال اکبر فتحی، معاون امور برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی اظهار کرد: مردم در صورت مواجهه با موارد احتکار باید با شماره ۱۲۴ که میان وزارت صمت و وزارت جهاد کشاورزی مشترک است و همچنین سامانه ۱۲۵ سازمان تعزیرات تماس گرفته و گزارش دهند. در این صورت همکاران ما در حوزه گران‌فروشی و احتکار نظارت و پیگیری‌های لازم را خواهند داشت.

محمدصادق مفتح، قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به شرایط موجود در کشور گفت: خوشبختانه مدیریت عالی کشور تجربه بسیار سخت‌تری از این شرایط را دارد؛ به طوری که دوران ۸ ساله دفاع مقدس، فعالیت منافقین و دوران کرونا را نیز پشت سر گذاشته است. وی افزود: «من الان اعلام می‌کنم هیچ‌وقت از نظر ذخایر کالاهای استراتژیک در داخل کشور، در بحران‌ها، این میزان ذخایر استراتژیک نداشتیم».

وی ادامه داد:« ذخایر توسط ۲ وزارتخانه صنعت و کشاورزی مدیریت می‌شود و جلسات ستاد تنظیم بازار در حال برگزاری است و موضوعات گمرک و ترخیص کالا نیز هر روز در قالب جلسات فشرده در حال رصد و پیگیری است. هیچ نگرانی‌ای از جنبه تأمین و حمل و توزیع کالای اساسی وجود ندارد». مفتح تصریح کرد: در استان‌های مهاجرپذیر نیز از استان‌های همجوار کمک می‌شود؛ از نظر کالاهای بسته‌بندی، آب و نان. برای آنجا سهمیه اضافه‌تر در نظر گرفته شده و ما اکنون به دنبال تأمین نیاز کالاهای صنعتی هستیم و الان مشکلی در خصوص کالاهای اساسی نداریم».

مفتح با اشاره به کمبود برخی اقلام در فروشگاه‌ها تأکید کرد: یک مساله تأمین است، یک مساله حمل تا فروشگاه است که در زمینه حمل مشکلاتی داشتیم که توسط شرکت‌های پخش و توزیع در حال پیگیری است. الان در تأمین کالا ممکن است بخشی از شهر با مشکل مواجه شده باشد اما سریع پر می‌شود. با تمهیداتی که اندیشیده شده توزیع کالا به شکل روان در حال انجام است.

هم‌اکنون تأمین کالاهای اساسی در بهترین شکل است و ذخایر تکمیل است و واردات نیز در بهترین شکل صورت می‌گیرد. درباره گندم عمده نیاز ما در داخل کشور تأمین می‌شود و مشکلی اصلا در گندم نداریم، ذخایر تکمیل است، تولید به صورت پراکنده انجام می‌شود و نگرانی‌ای از بابت نان نداریم اما در روغن نیازمند واردات هستیم که حجم قابل قبولی برای ۵ ماه آینده روغن خام داریم و واردات نیز در حال انجام است. بنابراین درباره روغن ذخایر بسیار مناسبی داریم. درباره روغن اصلاً نیازمند سهمیه‌بندی هم نیستیم و روغن به وفور وجود دارد و هماهنگی‌ها در حال انجام است و هر روز این موضوع انجام می‌شود.

در مورد سایر کالاها مانند غذاهای کنسروی، هماهنگی‌ها با کارخانه‌جات انجام شده، ورق‌های بسته‌بندی تأمین شده و مشکلی در این باره نداریم و هر روز این هماهنگی‌ها رصد می‌شود. درباره تأمین برق نیز با هماهنگی‌ای که با وزارت نیرو داریم این موضوع نیز حل و فصل شد و هیچ مشکلی برای تولید ایجاد نخواهد شد.

در حال حاضر ما در ۳ سطح می‌توانیم احتکار داشته باشیم؛ یکی بخش خانگی است که این احتکار مورد استفاده قرار خواهد گرفت و به عنوان پدیده نامطلوب به آن نگاه نمی‌کنیم. احتکار صنفی، دیگر احتکاری است که با آن برخورد جدی خواهد شد. در قالب سامانه جامع تجارت، رصد کالا تا آخرین واحد صنفی قابل اجراست و اگر صنفی اقدام به احتکار کند، عواقب بدی برایش خواهد داشت که جریمه‌های سنگین تا لغو پروانه برای آن در نظر گرفته می‌شود. آخرین بررسی که درباره احتکار انجام دادیم روز گذشته بود که احتکار جدی در این باره ندیدم. دوستان انتظامی گشت‌های منظم گذاشته‌اند و به‌سرعت احتکارها کشف خواهد شد. من اطمینان می‌دهم که یک ذخیره یا احتکار صنعتی نیز تاکنون نداشته‌ایم.